

لزوم برابر سازی فرصتهای آموزشی برای دانش آموزان استثنایی براساس مصوبات

سازمانهای بین المللی و دیدگاه اسلام

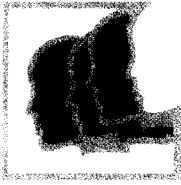
ژاله رفاهی

کارشناس آموزش و پرورش استثنایی فارس

هر جامعه‌ای امیدوار است و انتظار دارد که کودکان در بزرگسالی بتوانند در بهتر شدن آن جامعه مؤثر باشند. با وجود این از دادن حقوقی که کودکان را قادر به ادامه حیات، رشد کامل و شرکت در فعالیتهای مختلف می‌کند، دریغ می‌شود. میلیونها کودک به مدرسه راه می‌یابند، اما هرگز آن را به پایان نمی‌رسانند. حتی در کشورهایی که کودکان زیادی به مدرسه می‌روند امکان تحصیل برای اقلیتهای قومی و فرهنگی، دختران و کودکان معلول، محدود و یا غیر ممکن است.

حقوق پذیرفته شده جهانی در زمینه آموزش و پرورش افراد استثنایی در کنار سایر حقوق ویژه‌ای که برای اینگونه افراد در نظر گرفته شده، از اهمیت خاصی برخوردار است. نگاهی گذرا به آمارهای جهانی لزوم توجه به این امر خطیر را آشکار می‌سازد. تحقیقات یونیسف نشان می‌دهد از هر ۱۰ کودک، یکی با اختلال جسمی، حسی یا روانی متولد می‌شود و یا بعداً بدان مبتلا می‌گردد که در طول زندگی به خدمات مراقبتی و تعلیم و تربیت ویژه نیازمند است. موضوع حقوق این افراد مورد توجه جامعه جهانی قرار گرفته و تاکنون گامهای بلندی در احقاق حقوق معلولین برداشته شده است که البته هنوز تا سر منزل مقصود عدالت راه زیادی در پیش است.

می‌دانیم پیشرفت اجتماعی و فرهنگی یک جامعه در گرو اجرای طرحهای اساسی و بنیانی است که طی آن متغیر فرهنگ به عنوان زیربنایی‌ترین عامل (که بنا به اقتضای طبیعی دارای کمترین حرکت نیز هست) از وضع موجود به سوی وضع مطلوب حرکت می‌کند. موفقیت در بدست آوردن این هدف نیازمند به مشارکت و همکاری تمامی اقشار جامعه است. فرهنگ نگرش کودکان نسبت به خود، در خانواده و جامعه شکل می‌گیرد. مطالعات (داسون، ۱۹۸۶ و زرن، ۱۹۸۴) نشان داده‌اند که شکل‌گیری هویت یا نقش‌بندی جنسی و اجتماعی افراد متأثر از شرایط اجتماعی - فرهنگی آنها می‌باشد. نگرش کودک نسبت به خود و دیدگاه و نگرش دیگران نسبت به او، قبل از تولد او آغاز می‌گردد و روندی تکوینی را طی می‌کند، و این نگرش در مورد حقوق دختران و پسران متفاوت است و همانگونه که مطالعات نشان داده‌اند



همایش حقوق کودکان و دانش آموزان استثنایی

درخصوص افراد استثنایی نیز مغایر با افراد عادی است و همچنین تفاوت مابین نگرش نسبت به حقوق دختر و پسر استثنایی وجود دارد.

در یک تحقیق که به منظور بررسی میزان آشنایی اقشار جامعه با حقوق کودکان استثنایی صورت گرفت دو گروه نمونه از دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت استثنایی استان فارس و خانواده کودکان استثنایی با ترتیب حجم نمونه ۳۳۹ و ۲۰۴ نفر انتخاب شدند و پرسشنامه میزان آگاهی و آشنایی با حقوق کودک در اختیار آنان قرار گرفت. تحلیل نتایج بدست آمده نشان داد که ۲۹/۸ درصد از دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت شامل مدیران، مشاوران، سرپرستان آموزشی، مربیان بهداشت، کارشناسان آموزشی، معلمان و کادر توانبخشی آموزشگاه‌های استثنایی استان فارس و ۱۰/۸ درصد از خانواده دانش‌آموزان استثنایی شامل پدر، مادر، خواهر و برادر با حقوق کودکان و پیمان‌نامه حقوق کودک آشنایی داشتند. بدست آوردن چنین نتیجه‌ای مشخص می‌سازد با توجه به اینکه معلولیت عارضه‌ای است که بیش از ده درصد مردم جهان به آن مبتلا هستند هنوز حقوق اینگونه افراد برای خانواده و متولیان امر آموزش آنان مشخص نشده است و این خود باعث ایجاد نابرابری فرصتها برای شرکت در زندگی اجتماعی به زیان افراد معلول می‌گردد و لزوم برخورداری حقوق ویژه برای آنان در راستای عدالت اجتماعی را محرز می‌سازد.

از کودکانی که نیازهای اولیه و حقوق اساسی شان نادیده گرفته شده است، هرگز نمی‌توان انتظار داشت که در بزرگسالی افراد علاقمندی به حقوق دیگران باشند و به افراد دیگر احترام بگذارند. پایمال شدن حقوق کودکان فقط رنج شخصی را بدنبال ندارد، بلکه موجب اضطراب و نگرانی سیاسی، اجتماعی و حتی باعث برخوردهای خشونت‌آمیز در سطح جامعه می‌شود. مسایل حقوقی چه مستقیم و چه غیر مستقیم به همه مردم مربوط است. کودکان سراسر جهان بدون توجه به تفاوتها و بدون تبعیض باید به دلیل رشد فردی و جمعی خود با حقوقی که دارند آشنا شوند، باید بدانند از چه حقوقی برخوردار هستند، باید بیاموزند با کسانی که حقوقشان پایمال شده است، همراهی و همدلی کنند تا بتوانند احساس قدرت کنند و یاد بگیرند که همراه با دیگران برای حقشان عملاً کاری را انجام بدهند، اما چه کسی می‌باید این آگاهی را به آنان بدهد؟ پدر، مادر و یا مربی که خود از مفاد پیمان نامه آگاه نیست و طبعاً سدی است در راه پذیرش حقوق حقه اینگونه کودکان «چگونه می‌توان این سد را شکست؟»



همایش حقوق کودکان و دانش آموزان استثنایی

آموزش مواد پیمان حقوق کودک یکی از راههایی است که می‌توان این راه را آغاز کرد و نخستین قدم درک ماده‌های پیمان حقوق کودک توسط تمامی دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت و خود کودک است تا بتوان احساس مسؤولیت کرد.

لذا در این مقاله سعی شده است ضمن بررسی نگرش و دیدگاه‌های مختلف به افراد استثنایی به ویژه جنس مؤنث، با توجه به دیدگاه اسلام دربارهٔ دختر بچه‌ها، راهکار برابرسازی فرصتهای آموزشی را برای اینگونه دانش‌آموزان مطرح ساخت.

